

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

علی آشناگر

۱۱/۰۲/۰۸

آخذ شناسی

اینجانب فضولباشی بر آن شدم که مبحثی را تحت عنوان آخذشناسی باز نمایم تا باشد به یاری استادان و دست اندر کاران این رشته مهم که در رابطه مستقیم با زندگی ما مردمان این مملکت و حتی تمامی مردمان این دنیا است ، اطلاع بیشتری کسب کرده و راههای مبارزه با این بلای خانمانسوز که از ایدز و زلزله و هربلای آسمانی دیگر خطرناکتر است، را پیدا نمایم.

آخذ چیست؟

آخذ موجودی است که در محیط های آلوده به فساد و ناآگاهی رشد می نماید و شکل ظاهری آن شباهتی نزدیک به انسان دارد .ولی روی کله شان مقدار زیادی پارچه سفید یا سیاه قرار گرفته؛ آنها هم مانند انسانها روی دو پا راه میروند .اما صورتشان با انسانها فرق دارد بدین ترتیب که صورت آنها پوشیده از موهای زبر و دراز است! همچنین طرز پوشش آنها هم با آدمها کاملاً متفاوت است! چنانکه دارای جیبی بسیار بزرگ هستند که گنجایش مقادیر بسیار زیاد پول و ثروت را دارد ! همچنین طرز صحبت کردن آنها نیز با آدمها فرق فراوان دارد ، آنها با زبانی صحبت مینمایند که گویا متعلق به دوران ماقبل تاریخ است . دارای اشتھائی سیری ناپذیری هستند . چنانکه هرگز و به هیچ وسیله ای سیر نمی شوند! و از دیدن خون به وجد می آیند! تفاوت دیگری که با انسانها دارند این است :

انسان برای انجام کاری از دست و مغز استفاده مینماید ولی آخذ برای این کار تنها از دهانش بهره میجوید! از گریه و ناراحتی دیگران به غایت لذت میبرد ، و به عکس شادی و خوشبختی انسان آنها را ناراحت مینماید! آخذ به هر آنچه مثل خودش نیست حمله مینماید و در صدد نابودی آن برمی آید ! و میخواهد همیشه هم خود را حق به جانب نشان دهد!

انواع آخذ:

آخذها انواع مختلف دارند که همگی در صدد کسب قدرت هستند! و چون به آن دست یابند به خطرناکترین موجود کره زمین تبدیل میشوند . نمونه بارز آن آخذهای ایران و طالبان افغانستان میباشد.

امام (خمینی!):

نوعی از آخذ است که خود را از تمامی کاینات برتر میپندارد تقریباً همطراز خدا! و نیز بری از هر گونه خطا میدانند.

آیت الله (خامنه ای!!):

آخذی است که حسرت امامت دارد! و یک پنجم دارائی مردم را تصاحب مینماید!

حجت الاسلام:

آخذی است که دلالت بر حقانیت اسلام مینماید! نوع کوسه آن از کوسه هم خطرناکتر است!

مرجع تقلید (مکارم شیرازی!!):

نوعی از آخذ است که با میمونها سر و کار دارد!

آخذک (سری به حوزه علمیه قم بزنید!):

نوعی از آخذ است که دوران دگردیسی آن هنوز کامل نشده است!

یکی از خصوصیات منحصر به فرد آخذها این است که آنها تنها از جنس نرینه هستند! یعنی اینکه آخذ ماده وجود ندارد! با این حال آنها علاقه بسیار بسیار زیادی به جنس مادینه دارند! به همین جهت بیشتر نوشته ها و گفته هایشان در مورد چگونگی رابطه جنسی با مادینه ها است! هرگاه با مادینه ای روبرو میشوند تنها چیزی که به ذهنشان خطور مینماید برقراری رابطه جنسی با آن مادینه است! خیلی زود تحریک جنسی می شوند! به همین جهت برای آنکه این خصوصیت کاری دستشان ندهد و آشکارا به طرف حمله ور نشوند و آبروی ظاهریشان نریزد خواستار آن شده اند که زنان باید خود را ببوشانند!

حتی شنیدن صدای زنان نیز آنان را تحریک مینماید. لذا برای آنکه تحریک نشوند از زنان میخواهند هنگام صحبت کردن تن صدای خود را تغییر دهند.

آخذها برای تشویق دیگران جهت تبعیت از خود باز هم از مشوق جنسی بهره میجویند. و وعده تعداد زیادی حوریان زیبا روی در آن دنیا را به آنهایی که مطیعشان باشند را میدهند! از خصوصیات دیگر آنها که سبب تمایز آنها از انسانها میشود کارگریزی آخذها است! رابطه کار با آخذ چون رابطه جن و بسم الله است! و یکی دیگر از خصوصیات آنها این است که علاقه فراوانی به جاری شدن اشک از چشمان مردم دارند. هنگامی که مردم را به گریه میاندازند خودشان در زیر میخندند!

هنگامیکه آخذها دوران دگردیسی خود را طی مینمایند، طلبه نامیده میشوند. طالبان از درنده ترین نوع آخذها هستند! انواع مختلف آخذها با هم دشمنی فراوانی دارند و از تکه پاره کردن همدیگر ابائی ندارند! بیشترین تعداد آخذها در خاور میانه است! تعداد اندکی از آنها در مناطق مختلف جهان پراکنده اند. آخذها در مناطق مختلف نامهای متفاوتی دارند. از جمله در مصر به آنها مفتی میگویند. (احتمالاً این نام از خصوصیت مفت خوریشان ناشی شده است!) و در بلوچستان مولوی نامیده میشوند!

ایران و عراق و افغانستان و عربستان محیط مناسبی برای زیستن آخذها میباشد!

گویا ۳۰ سال قبل نسل آنها رو به انقراض بود! اما در سایه فعل و انفعالاتی نامعلوم و تا اندازه ای مشکوک اکنون تعداد آنها رو به تزاید نهاده است! به طوریکه اکنون این رشد نامناسب سبب ایجاد مشکل بزرگ و فزاینده ای برای آنهایی شده است که در این امر دخالت داشته اند!

عده‌ای بر این عقیده هستند که آخندها از جنس قارچها هستند. اما تعدادی نیز بر این باورند که آنها را می‌توان جزو انگلها به شمار آورد! زیرا فاقد هر گونه توانائی تولیدی هستند! تنها از تولیدات دیگران تغذیه می‌نمایند! اما در تولید مثل توانائی بسزائی دارند!

آخندها دارای افکار همانندی نیستند. عمدتاً با هم تضاد دارند و این تضادشان ناشی از قدرت طلبیشان است! آخندها با در آمیختن دین و سیاست برای بهتر زیستن خود فضای مناسبی ایجاد کرده‌اند. اما در عوض زندگی را برای دیگران بسیار تلخ و سخت نموده‌اند! آنها به دیگران وعده سر خرمن می‌دهند و آهنگ "بزک نمیر بهار میاد" را خوب بلدند! آخندها معتقد به برتری نژادی می‌باشند و خود را برتر از دیگران می‌پندارند و از بیان آن هم هیچ ابائی ندارند! گویا چشمهای آنها هم با ما آدمها فرق دارد. زیرا چنانکه پیداست ما آدمها را به شکل گوسفند می‌بینند. و گاهگاهی تعدادی از ماها را به جای قلاب قصابی از جراثقال آویزان می‌نمایند.

یکی دیگر از وجه تمایز آخندها با آدمها طول روده آنها است. گویا درازای آن به چندین کیلومتر می‌رسد! علت درازی روده هایشان هضم مقادیر زیادی از بیت‌المال مردم است! گویا از بقایای خروجی مواد هضم شده جهت تقویت و رشد بسجیجها که آنها هم نوعی از انگلها می‌باشند، بهره می‌جویند! آخندها فرق دو کلمه شمشیر و منطق را نمی‌دانند و بیشتر از شمشیر به جای منطق استفاده می‌نمایند! در ولایت فرنگ نیز نوعی دیگری از آخندها زندگی می‌کنند که کشیش نامیده می‌شوند. آنها هم در گذشته رفتاری شبیه آخندها داشته‌اند، ولی اکنون رام شده‌اند و با آدمها در صلح و آشتی به سر می‌برند! علاوه بر این انواعی که بیان شد، نوعی دیگری از آخندها هستند که از لحاظ شکل ظاهری کاملاً شبیه آدمها هستند و با آخندها مخالف هستند. و با آنها سرسختانه دشمنی می‌ورزند. اما رفتار و کردارشان درست همانند آخندها است! و آنها هم می‌گویند مرغ یک پا دارد! می‌توان آنها را هم جزو آخندها به حساب آورد.

آخند جماعت بر خود نام روحانی هم نهاده‌اند. و این از آنجا ناشی می‌گردد که آخندها بیشتر با ارواح مباشرت و دوستی دارند تا با ما آدمیان! تنها هنگام تغذیه به ما آدمیان نیازمندند. و اگر کسانی به تغذیه آنان تن ندهند، آخندها آنها را گرفته و زندانی می‌نمایند. و یا آنها را به مسلخ برده و کارشان را می‌سازند. گاهی از شخص زندانی جهت رفع نیازهای جنسی هم استفاده می‌نمایند!

از عجیب‌ترین رفتار آخندها این است که اغلب اشخاصی را که گرفته‌اند آنقدر می‌زنند تا آنچه را که به او می‌گویند، بگوید و بعداً هم او را می‌زنند که چرا چنین می‌گوید! و این بدان معنا است که اگر کسی در دام آنها افتاد چه بگوید و چه نگوید زده می‌شود. ولی اگر بگوید دوباره زده می‌شود!

و از دیگر خصوصیات آخندها این است که عاشق خون و جنگ و اوضاع نابیه سامان هستند. آنها بر دیوارها می‌نوشند: جنگ نعمت است!

آنها در آرامی آرامش ندارند و از آرامش خوف دارند! چون می‌ترسند که ممکن است آدمها در آرامش فرصت فکر کردن پیدا کنند. و از سواری دادن به آنها خوداری ورزند! و دکانشان تخته شود!

در میان آدمیان اگر دوسیه‌ای بعد از ۲۰ الی ۲۵ سال لاینحل ماند دیگر آن دوسیه مختومه اعلام می‌گردد. اما آخندها دعوائی را که حدود ۱۴۰۰ سال قبل رخ داده و چند و چون آن ممکن است در طول این سالیان دچار دگرگونیهای فراوان شده باشد را همچنان مفتوح نگاه داشته و خود را قیم و وکیل یکی از طرفین دعوا جا زده و از بابت این وکالت از مردم حق‌الزحمه دریافت می‌دارند!

و یکی دیگر از خصوصیات آخندها این است که هنگامی که مردم را در حال گریه کردن می‌بینند، به وجد می‌آیند.

به همین جهت با گفتارشان اشک از چشمان مردم جاری می‌نمایند ! و در صورتی که کسی توسط گفتار آنها اشک از چشمانش جاری نشد ، در خیابانها به وسیله گاز اشک آور این عمل را انجام می‌دهند . به هر حال باید اشکی از چشمان جاری شود تا آنها بر سر شوق آیند ! گاهی هم برای جاری کردن اشک از چشم کسی ، فرزند و یا مادر و یا پدر آن شخص را می‌گیرند و شخص گرفتار شده در زندان معمولاً سرش و یا قسمتهائی از بدنش با اشیائی مانند کابل برق و یا میله آهنی و یا چیزهائی از این قبیل تصادف می‌نماید و بعداً نفس کشیدن را فراموش می‌کند ! و بدین صورت اشک از چشمان بستگانش جاری می‌شود ! این روش در سال ۶۷ به طور وسیعی مورد آزمایش قرار گرفت و نتایج قابل قبولی برای آخندها به بار آورد !

در مورد چگونگی پیدایش آخندها و رده بندی آنها نظرات و تئوریهای متفاوتی وجود دارد . به طور کلی این نظرات را میتوان در سه گروه جای داد :

- ۱ - آنهائی که بر این باورند که آخندیسم یا آخندیت یک نوع بیماری است که انسانها به آن مبتلا می‌شوند . انسانهائی را که به این بیماری مبتلا می‌شوند ، آخذ می‌نامند !
- ۲ - آنهائی که عقیده دارند که آخندها گونه ای از موجودات زنده هستند که شباهت زیادی به انسانها دارند . و برای اثبات این فرضیه خود به تاریخ پیدایش و چگونگی تکامل آنها استناد می‌نمایند
- ۳ - آنهائی که در این مورد نظریه ی التقاطی دارند . آنها بر این باورند که آخندها چهره دوگانه دارند . گاه به شکل انسان و گاهی در شکلی دیگر ظاهر می‌شوند . و این دوگانگی بستگی به موقعیتی دارد که آنها در آن واقع شده اند ! اینها اظهار می‌دارند که درست همین حالت دوگانگی آخندها است که موجب بروز اختلاف نظر در مورد آنها شده است .

حال به بررسی هر سه نظریه در مورد منشأ آخندها می‌پردازیم:

- ۱ - نظریه اول آنهائی که بر این باورند که آخندها انسانهائی هستند که به یک نوع بیماری مبتلا شده اند . آنها در اثبات نظریه خود چنین استدلال می‌نمایند :

آخندها هم مانند همه انسانها بر روی دو پا راه می‌روند . دارای قدرت تکلم هستند . و اختلافاتی را که با سایرین دارند ناشی از عوارض یک نوع بیماری خاص است . این تفاوتها عبارتند از :

وجود مقادیری پارچه سیاه و سفید بر روی سر (گویا وجود این پارچه ها برای کاهش سر درد و یا در دسر است ! و نیز برای سر گرمی چون کسانی که به این بیماری مبتلا می‌شوند ، خون کمتری به مغزشان می‌رسد ، و به شدت دچار سر سردی می‌شوند !) و از جمله تفاوتهای دیگر آنها داشتن موهای زبر و دراز بر چهره است . چون زنهار دارای مصونیت در برابر این بیماری هستند ، به همین جهت آخذ زن پیدا نمی‌شود . منشأ پیدایش این بیماری خاورمیانه است . و عامل آن یک نوع ویروسی است که برای اولین بار در منطقه بی آب و علف و لمیزرع پیدا شد و سپس به جاهای دیگر سرایت نمود . جاهائی که مدرسه و محل آموزشی در آنجا کم باشد ، احتمال شیوع این بیماری بیشتر است ! این بیماری گویا با میزان آگاهی مردم تناسب معکوس دارد ! پیروان این نظریه معتقدند که تا کنون میلیونها نفر در اثر این بیماری جان خود را از دست داده اند . (تبصره : کسانی که بیماریشان به مرحله آخندی رسیده است ، کمتر جان خود را از دست می‌دهند . بیشتر کسانی که با آنها تماس دارند و آلوده شده اند ، در خطر مرگ و یا مرگ آفرینی برای دیگران هستند ! آنها اغلب دچار حالت جنون یا عصبی شده ، و کسانی را که به این بیماری دچار نشده اند ، مورد حمله قرار می‌دهند ! مبتلایان به این بیماری در جاهای متفاوت ، نامهای متفاوت دارند . از جمله در افغانستان ، طالبان ، در ایران بسیجی ، حزب الله و در لبنان حماس و در بعضی جاها جندالله و

وهابی و ... نامیده می‌شوند . از دیگر آثار این بیماری : تنفر فراوان از وسایل ارتباط جمعی ، تمایل شدید جنسی ، اختلال در زبان و علاقه مندی به زبان قدیم عربی . تمایل به از بیخ عرب شدن ! پیروان این نظریه میگویند که بناء به دلایل فوق آخن‌دیسم یک نوع بیماری است . و احتمال بهبود و ریشه کنی این بیماری در اثر پیشرفت علم و آگاهی ممکن است!

۲- نظریه کسانی که بر این باورند که آخن‌دها با انسانها تفاوت دارند و آنها تیره ای از جانوران انسان نما هستند که شباهتهای فراوانی با انسان دارند . همچنانکه گونه هائی از میمونهای انسان نما وجود دارند که از نظر بیولوژیکی با ما آدمها نزدیکی بسیاری دارند . تفاوت ژنتیکی آنها با ما تنها چند در صد است . ولی با این حال نمیتوان آنها را جزو آدمیان محسوب داشت ! آنها در جهت تأیید ادعای خود تفاوتهای آخن‌دها با ما آدمیان را گوشزد می‌نمایند:

الف) آخن‌دها همیشه از جنس مذکر هستند . در صورتیکه جامعه انسانها بطور مساوی از دو جنس نر و ماده تشکیل شده است!

ب) پوششان سر تا پا با ما متفاوت است!

پ) تمایلات جنسیشان فوق العاده فراوان است ، به همین جهت برای به تبعیت و داشتن دیگران از خود، وعده همخوابگی با حوریان و غلمان در آن دنیا را می‌دهند!

ت) به جای افزودن بر محتویات درون کله، روی آن را با پارچه سیاه و یا سفید می‌پوشانند!

ج) داشتن تفاوت فراوان زبانی با ما آدمیان.

ح) تنفر از کار و از دسترنج دیگران بهره جستن .

چ) متنفر بودن غیر عادی از کسانی که مانند آنها نیستند . و در صدد کشتن و یا گرفتار نمودن آنها بودن.

خ) قایل بودن حق توهین و انتقاد و حمله به دیگران برای خود و قایل نبودن هیچ حقی برای دیگران چنانکه اگر کسی نقدی از آنها نمود ، فتوای قتلش را می‌دهند.

د) آنها عملاً خودشان را از ما آدمها جدا دانسته و بر خود نام روحانی نهاده اند . این به دان معنی است که دیگران جسمانی هستند و از آنها پست‌ترند! و یا به عبارتی آنها از جنس از ما بهتراند!

۳- نظریه سوم یا نظریه التقاطی : به اساس این نظریه آخن‌دها را هم می‌توان در رده انسانها به حساب آورد و هم خارج از آن ! طبق این نظریه آخن‌دها دارای دو وجه هستند و یا به عبارتی دو رو هستند ! گاهی در شکل انسان نمود پیدا می‌کنند و زمانی هم در قالبی دیگر . و بروز این حالتها بستگی به شرایط و اوضاع و احوال موجود دارد ! آخن‌دهائی مشاهده شده اند که علی رغم تفاوت در شکل با انسانها ، رفتاری کاملاً انسانی داشته اند ! آنها فاقد خوی درندگی بوده ، و تحمل دیگران را هم داشته اند . هر چند این موارد نادر بوده ولی نباید نادیده انگاشته شوند . بر اساس این نظریه این دوگانگی رفتار آخن‌دها و نیز حس خود بزرگ بینی آنها سبب این تشتت افکار متفاوت در مورد آنها شده است.
